

دیگته درس ق ق کلاس اول :

ق ق

قُرآن - قندان - قند - قوری - قاشق - اُتاق - بُشقاب - وُرُق - بَرُق - بوق - شَرَق - قو - قَد - قاب - قانون - قیر - قَدَم -
قُدس - قُم - قُربان - قُدَرَت - قِسْمَت - قَفَس - قَشَنگ - قِرْمَز - ساق - ساقه - سَقَف - وَقْت - قَفَر - قَفیر - قِنْدُق - آقا -
مِقْدار - قادِر - قوی - قَدیم - تَقْدیم - قَزوین - قَناری - قَرار - مَقام - مَقالوم - مَرابَت - مَقاوَمَت - مَرابَت - قاسم - موسیقی -
مُسابقه - قِرقره - قُدُقَد - تَقویم - زیبا - مَرَدِ قوی - مَرَدُم قَفیر - سَقَف اُتاق - قُدَرَت زیاد - قُرآن کتاب آسمانی - وُرُق سَفید -
مَشق شَب -

قوی زیبا - مَرابَت از کودکان - ساقه ی درخت - مُسابقه ی اَسب سَواری.

مینا یک ورق مشق نوشت. قاسم قناری را از قفس آزاد کرد. پروین برای مسافرت به قم رفت. فندق و گردو و بادام برای ما مفید است.
قوری کنار سماور است. وقتی برادرم مسابقه داردم اورتشویق می کنم سقف خانه ی دوستم خراب شد. قرقه و سوزن را به مادر دادم.
مادرم به فقیر کمک می کند. کشور آفریقا مردم فقیر دارد. بوق ماشین ما خراب شده است. ساقه ی شقایق زود می شکند.
مادر بزرگ قندان را پر از قند می کند. قوری را از اُتاق آوردم.

مادربزرگ قُرآن در دست دارد.

پدر قایق سوار می کند.

مادر قوری را روی سماور قَرار داد.

پدر قندان را پُر از قند کرد.

کار تمیز کردن سَقَف اُتاق تمام شده بود.

قاسم از نردبان پایین آمد و به سمت قَفَس قَناری رَفَت.

دیروز وقتی قاسم از مدرسه به خانه بر می گشت ، قَناری را کنار خیابان پیدا کرده بود.

قناری زخمی شده بود و گوشه ی مَنقارش شکسته بود.

دیشب وقتی پدر از سَرکار برگشت یک قَفَس قَشَنگ برای پرنده خَرید تا قاسم از پرنده مَرابَت کُند.

پدر به او گفت : پسرم وقتی پرنده خوب شد باید آن را آزاد کنی.

ما نباید پرندهگان را در قفس اَسیر کنیم.

قرار شد وقتی پرنده خوب شد به کنار رود خانه برویم و آن را در میان درختان آزاد کنیم.

ما نیز در رود خانه قایق سوار می کنیم.

آن شب من و مادرم سَفَره را انداختیم.

من قاشق و بُشقاب را آوردم و در سَفَره قَرار دادم.

